



## چالش های سیاسی سیاست خارجی ایران در حوزه خلیج فارس در سال 2015-2023

معصومه علیان پور

کارشناسی ارشد علوم سیاسی روابط بین الملل دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، تهران، ایران

aliyanmasome@gmail.com

### چکیده

تنشها میان جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس یکی از تعارضات ادامه دار در منطقه خاورمیانه تلقی میشود که منبعث شده از رویکردهای تقابله شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران و ارزشها و آرمانهای برآمده از آن، در طول سه دهه گذشته بوده است. شواهد اندکی برای بسترسازی حل و فصل تعارضات فی مابین دو طرف در طول دهه های گذشته وجود داشته است در حقیقت برخورد، منافع تقلا برای نفوذ بیشتر در منطقه و وجود ادراکات امنیتی متفاوت نسبت به یکدیگر از موانع عمده آشتی و حل و فصل تعارضات میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس محسوب میشود حضور آمریکا در منطقه یکی از عوامل عمده تنشها میان طرفین محسوب می شود در حالی که حضور آمریکا از نظر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس برای امنیت این کشورها ضروری به نظر میرسد، جمهوری اسلامی ایران حضور آمریکا را در منطقه به عنوان تهدید عمده امنیتی خود در نظر می گیرد. در حقیقت شورای همکاری خلیج فارس نمیتواند امنیت منطقه را بدون حضور آمریکا متصور شود و از این نظر، پیشنهاد ارائه شده جمهوری اسلامی ایران در چارچوب تامین امنیت جمعی منطقه بدون حضور کشورهای فرامنطقه نمیتواند مورد پذیرش کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قرار گیرد. چشم انداز مقامات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری توسعه طلب، خواهان تسلط منطقه و خواهان تغییر وضع موجود در نظر گرفته میشود که برنامه هسته ای ایران نیز تحت لوای این رویکرد مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، چالش، خلیج فارس

### مقدمه

خلیج فارس با دریای پارس آبراهی است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه جزیره عربستان قرار دارد نام تاریخی این خلیج در زبانهای گوناگون، ترجمه عبارت "خلیج فارس" یا "دریای پارس" بوده است. کشورهای ایران عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت امارات متحده عربی قطر و بحرین در کناره های خلیج فارس هستند. اختلافات گوناگون اعم از اختلافات مرزی و ادعاهای سرزمینی متعددی در منطقه خلیج فارس وجود دارد و از علل آن می توان به حضور طولانی مدت استعمارگران علی الخصوص کشور انگلستان در منطقه حضور نیروهای فرامنطقه ای و سیاست اختلاف بینداز و حکومت کن بیگانگان در کشورهای منطقه اشاره کرد. درگیری های متعدد ناشی از اختلافات، مرزی ثبات و آرامش را در منطقه مختل نموده و عدم صلح



پایدار و عدم توسعه و پیشرفت را در پی داشته است و این امر موجب شده است که حضور نیروهای بیگانه از سوی برخی کشورهای منطقه ضروری دانسته شود. مطالعات نشان می دهد جغرافیای مناطق نفت خیز جهان با جغرافیای بحران ها منطبق است، زیرا مصرف کنندگان عمده نفت قدرت های بزرگ اقتصادی جهان هستند که خواستار جریان عادی و امن انرژی می باشند و برای تأمین نیاز خود، راهبردهای تأمین انرژی را تدوین نموده اند.

در این راهبردها که تأمین امنیت انرژی قدرتهای بزرگ اقتصادی با امنیت و حاکمیت کشورهای نفت خیز پیوند خورده است دولتها و ملت های مناطق نفت خیز نه به عنوان صاحبان اصلی منابع انرژی بلکه به عنوان انبار داران کشورهای صنعتی شناسایی می شوند و بر اساس این، راهبرد کشورهای تولید کننده نفت در جایگاه تصمیم گیری در مورد منابع خود قرار نداشته و همین امر مناطق نفت خیز جهان را با بحرانهایی رو به رو می سازد. کشورهای حوزه خلیج فارس به چند دلیل تفاوت های اساسی با همدیگر دارند که در نتیجه این تفاوت ها وضعیت منطقه ای همچنان بی ثبات مانده و قدرت های بزرگ دهند. به خصوص انگلستان تلاش گسترده ای در جهت بهره برداری از آن انجام می در میان هشت کشور ساحلی خلیج فارس بی اغراق کلیه کشورها با یکدیگر اختلافات سرزمینی دارند تعدادی از این اختلافات حاد و منازعه خیز بوده و هستند. از جمله اختلافات ایران و عراق عربستان و قطر و عراق و کویت نکته جالب در این نوع منازعات منطقه ای این است که به رغم مصالحه و سازش، هر از چند گاهی منازعه به نحو جدیدی بروز می کند. از سوی دیگر وجود منابع غنی نفت و گاز در منطقه مسائل و مشکلات اقتصادی ناشی از آن و همچنین تجمع اقوام و مذاهب گوناگون موجب حادثه شدن مشکلات ارضی می شود.

بازیگران فرامنطقه ای با سوء استفاده از هر یک از عوامل ایجاد بحران و ناامنی که خود برای خلیج فارس طراحی کرده و میکنند یکی از عوامل اصلی ایجاد تنش در این منطقه اند. رژیم های حقوقی و مرزهای جغرافیایی نامشخص، تحریکات قومی و مذهبی، تحریم ها، بهانه تراشیهایی واهی و ایراد اتهام حمایت از تروریسم به برخی از این کشورها و موافقت نامههای همکاری سیاسی اقتصادی و نظامی با برخی دیگر از این کشورها، تاکنون برنامه همیشگی قدرتهای بزرگ جهانی برای منطقه خلیج فارس بوده است.

بنابراین منطقه خلیج فارس که در حال حاضر به علت موقعیت و برخورداری بی نظیرش یکی از با اهمیت ترین مناطق دنیاست در گذشته مجموعه گسترده ای از جنگها و حوادث خشونت بار سیاسی و اجتماعی را پشت سر گذاشته و به همین دلیل باید نگران تکرار آن ها در آینده باشد. از جمله چالشهای سیاست خارجی ایران در خلیج فارس مخالفت و دشمنی ایران با اسرائیل است. از این طریق از طرفی ایران به عنوان مدافع حقوق ملت مسلمان فلسطین مطرح میشود و از طرف دیگر، درگیر مسائل به وجود آمده به خاطر این سیاست بنیادین خود است که در راس آن فشارها و مخالفت های آمریکا بر ایران در مسائل مختلف است. ایران 15 همسایه دارد و همه این همسایگان برای کشورمان اهمیت ویژه خود را دارند. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همیشه همسو با آمریکا و در مقابل سیاست های ایران عمل کرده اند. البته میزان همکاری آنان با آمریکا و مخالفت با ایران به صورت یکپارچه و یکسان نبوده، بلکه برخی از کشورها مخالفت بیشتری را با ایران اعمال کرده و بعضی نیز روابط خوبی را برقرار کرده اند این کشورها از زمان جنگ صدام علیه جمهوری اسلامی ایران در کنار رژیم بعث برضد ایران عمل میکردند و حتی بعضی از کشورها مانند عربستان، کویت و امارات کمکهای دهها میلیارد دلاری را به عراق می کردند. در واقع میتوان گفت که بین این کشورها نوعی خصومت و حالت رقابت با ایران در دوره های گذشته وجود داشته است و در مقابل ایران همیشه سعی بر ایجاد روابط برادرانه و حسنه با این کشورها هم به دلیل همسایه بودن و هم به دلیل مسلمان بودن آنها داشته است، ولی این کشورها امنیت خود را در همکاری با آمریکا تعریف کردند. بنابراین نوع رابطه ایران با آمریکا بر روابط ایران با این کشورها و همچنین نوع رفتارهایی که اعمال میکردند تاثیر گذار بوده است.

این در حالی است که در سالهای اخیر بیشترین سود را کشورهای عربی از طریق صادرات مجدد کالا به ایران یا از طریق برداشت گاز و نفت از حوزه های مشترک داشته اند. در مورد اهمیت و جایگاه ایران برای همسایگان خود و همسایگان برای ایران مطالب زیادی گفته و نوشته شده و همچنان جای بحث دارد اما آنچه مسلم است این است که نیازهای ایران و همسایه های جنوبی متقابل است. به عبارت دقیق تر وابستگی ها و نگرانیهای ایران و کشورهای همسایه جنوبی متقابل است و این بدان معناست که هم ایران عمق امنیت ملی این کشورهاست و هم کشورهای حوزه خلیج فارس عمق امنیت ملی ایران را تشکیل میدهند.

در عین حال، حجم روابط اقتصادی ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس بسیار بالا است. حجم روابط اقتصادی در جهت خدمت به منافع دو طرف است و این امر یکی از وجوه اشتراک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس است. به نظر می رسد که ایران باید در عین فراهم کردن تدابیر لازم در مقابل محدودیتهای، به کشورهای همسایه نیز اطمینان دهد که دوستی میان ایران و آنها وجود داشته و دارد و ادامه خواهد داشت و در عین حال اگر مشکلاتی برای ایران رخ دهد بی تردید این مشکلات، طرفینی



بوده و لازم است کشورهای همسایه در راستای منافع خود با ایران تعامل داشته باشند. پرسش اصلی تحقیق این است که رابطه شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده و این رابطه چه تأثیری بر ایران داشته است؟ در مقابل فرضیه تحقیق این است که "چالشهای ژئوپلیتیکی زیادی میان شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که باعث گسیختگی ژئوپلیتیکی و مانع جدی بر سر اتحاد و همگرایی در هسته مرکزی جهان اسلام شده است".

## روابط شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران

### دوره جنگ ایران و عراق (1981-1988)

یکی از دلایل اصلی شکلگیری شورای همکاری خلیج فارس، انقلاب اسلامی ایران بود. با آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ایران در سپتامبر 1980 (شهریور 1359) و با تأسیس شورای همکاری در می 1981، از این سال تا پایان جنگ ایران - عراق در آگوست 1988 (مرداد 1367) جنگ ایران و عراق در صدر دستور کار شورای همکاری قرار داشت. اعضای شورای همکاری که نسبت به تهدیدات ایران و عراق نگاه متفاوت و بعضاً متعارضی داشتند، جنگ ایران - عراق را فرصتی مغتنم برای آنان فراهم کرد تا کشورهای عضو این شورا با کنار گذاشتن اختلافات داخلی، دست به اتخاذ سیاستهای مشترک بزنند و احساس اتحاد سیاسی، امنیتی و نظامی را میان خود ایجاد و تقویت کنند. از آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ایران، سران کشورهای عضو شورای همکاری علیرغم اینکه با رژیم صدام حسین مشکلات اساسی داشتند، جانب عراق را گرفتند و با موضع گیریهای سیاسی، صدور بیانیه ها و کمکهای مالی پیدا و پنهان از عراق و برای تضعیف ایران دفاع کردند. چهار کشور عضو شورای همکاری یعنی کویت، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و قطر مجموعاً بیش از 14 میلیارد دلار در هفت ماه نخست جنگ ایران و عراق به دولت عراق کمک کردند. در این میان سهم کویتی ها و عربستانها بیش از دیگران بود. (Ottaway, 1981)، این رقم تا پایان سال 1982 از کمکهای مالی مستقیم کشورهای شورای همکاری به بین 30 تا 40 میلیارد دلار رسید که سهم عربستان 20 میلیارد دلار، کویت 6 میلیارد دلار، امارات متحده عربی 2 تا 4 میلیارد دلار، قطر 1 میلیارد دلار و عمان علیرغم اینکه مخالف جنگ بود 10 میلیارد دلار بود (Marschall, 2003). در خلال جنگ ایران - عراق، شورای همکاری در جلسات مختلف سالانه و اضطراری، مسائل جنگ را موضوع بحث خود قرار دادند. پس از بازپسگیری و فتح خرمشهر توسط نیروهای نظامی ایران، شیوخ عرب شورای همکاری جلسه اضطراری سران شورای همکاری (شورای عالی) را در منامه در نوامبر سال 1982 تشکیل دادند. آنان از این اجلاس مواضع خود را علیه ایران آشکار کردند. در این اجلاس وزیران دفاع شورا، فرماندهان ستاد کل و وزیران کشور جلسه ای را برای هماهنگی در برنامه های اضطراری مهار جنگ و جلوگیری از گسترش آن به قلمرو کشورهای خود تشکیل دادند. این شش کشور توانمندی نظامی ایران در برابر عراق را خطرناک توصیف کردند و در راستای تلاش برای پایان دادن به جنگ، از عراق حمایت کردند. آنان پیشروی نیروهای نظامی ایران به داخل عراق (عبور از مرزهای بین المللی) انتقاد کردند و پیشروی و پیروزی ایران، تهدیدی علیه امنیت ملت عرب و نقض حاکمیت آن اشاره کردند (Kechichian, 1990). در اقدامی دیگر، در ژانویه 1983 که سه کشور ایران، سوریه و لیبی بیانیه دمشق را برای محکومیت حمله عراق به ایران منتشر کردند، شورای همکاری واکنش نشان داد و اعلام کرد که بیانیه مزبور به ضرر وحدت عربی است و به پایان دادن جنگ کمک نخواهد کرد. آنان همچنین، از وحدت مواضع اعراب درباره تصمیمهای اتحادیه عرب، اجلاس آتی سران جنبش عدم تعهد در دهلی نو و هماهنگی در مواضع مربوط به شورای همکاری خلیجفارس برای منزوی کردن ایران در بین کشورهای درحالتوسعه حمایت کردند. در سال 1984 کشورهای عضو شورای همکاری یک هیئت دیپلماتیک را به ژاپن اعزام کردند تا دولت ژاپن را برای کاهش سطح روابط اقتصادی با ایران رایزنی کنند. دولت ژاپن تقاضا آن هیئت را رد کرد و اعلام بیطرف در جنگ کرد. (Kechichian, 1990) حتی در 5 ژوئن 1984، یک هواپیمای F-15 عربستان سعودی با حمایت نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا، یک هواپیمای جنگی فانتوم F-4 ایران را بر فراز خلیجفارس مورد هدف قرار داد و منهدم کرد. (Amirahmadi, 1993) در اقدامی دیگر، عراق که از گذشته دست به احداث خطوط لوله صادرات نفت به مقصد دریای مدیترانه برای کاهش وابستگی خود به خلیجفارس و تنگه هرمز زده بود، در پی جنگ ایران - عراق، دولت سوریه، متحد استراتژیک ایران، خط لوله کرکوک به بندر بنیاس که از خاک سوریه میگذشت، در سال 1981 متوقف کرد. بلافاصله عربستان سعودی برای احداث یک خط لوله جدید از بصره به بندر ینبوع در دریای سرخ از طریق خاک عربستان برای صادرات نفت عراق وارد عمل شد. در فاز اول، این خط لوله از بصره به خط لوله گوار - ینبوع (خط لوله شرق به غرب عربستان) متصل شد که روزانه 200 هزار بشکه نفت عراق از طریق آن صادر میشد. در پی تشدید حملات ایران به عراق و تخریب تأسیسات صادرات نفت عراق در 1984 و محدودیت صادرات نفت عراق، وزیر خارجه عربستان به بغداد رفت و عربستان و عراق توافق کردند که خط لوله ویژه عراق از بصره به ساحل دریای سرخ و با هزینه عربستان ایجاد شود. (حافظ نیا، 1388) بر این اساس، در فاصله سالهای 1982 تا 1985 کشورهای کویت و عربستان بهطور متوسط روزانه حدود 300 هزار بشکه نفت برای عراق میفروختند و عواید آن را تحویل صدام حسین



میدادند. در سال 1985 و با گسترش ظرفیت خط لوله کرکوک به بندر ینبوع این رقم به 500 هزار بشکه در روز رسید. (Ramazani, 198: 42) در تصمیمات سیاسی و دیپلماتیک، شورای همکاری بارها و بارها نسبت به اقدام تجاوزکارانه عراق، بمباران شهرها و حملات شیمیایی این کشور به شهرها و خاک ایران، حمله به نفت کشتیهای ایران و بمباران پایانه نفتی خارك سیاست سکوت در پیش گرفت و هر زمان ایران به اقدامات تلافی جویانه برای حمله به تأسیسات نفتی عراق دست میزد یا در صحنه میدانی جنگ در عملیاتی پیروز میشد و در خاک عراق پیش روی میکرد، واکنش نشان میداد و اعلام میکرد که ایران باید به مرزهای بین المللی پایبند باشد یا به تأسیسات نفتی نباید حمله کند. در کنار اعلام مواضع خود، خواستار دخالت نهادهای بین المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل یا دخالت قدرتهای فرامنطقه ای در جنگ شد. با اجرای عملیات والفجر 8 توسط نیروهای سپاه و ارتش ایران و فتح بندر فاو و شبه جزیره فاو، تنها بندر عراق و نقطه دسترسی این کشور به خلیج فارس در فوریه 1986 (بهمن 1364) شورای همکاری، بیش از هر زمان احساس تهدید از سوی ایران در مرزهای خود در کشور کویت کرد. سران شورای همکاری در اجلاس سالانه خود در عمان در سال 1365، خواستار خروج فوری ایران از فاو شدند. رویداد حمله نیروهای نظامی عربستان به حجاج در مراسم براثت از مشرکین در سال ژوئیه 1987 (مرداد 1366) که منجر به شهادت 275 نفر از حجاج ایرانی شد، تنش میان ایران و عربستان افزایش یافت و در پی آن روابط رسمی دو کشور قطع شد. در مجموع، در طول جنگ ایران - عراق، کشورهای عضو شورای همکاری و به ویژه عربستان سعودی و کویت، کمکهایی مالی بلاعوض زیادی به عراق کردند. درحالیکه نسبت به میزان این کمکهها اتفاق نظر وجود ندارد اما گفته میشود که بین 25 تا 65 میلیارد دلار به عراق کمک کردند. (Kechichian, 1990)

#### دوره پس از جنگ ایران و عراق تا پایان سده بیستم

پس از پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل از طرف ایران در 27 تیرماه 1367 (20 اوت 1988) جنگ ایران و عراق به پایان رسید و رهبران ایران سیاست دیپلماسی سازنده و حسن همجواری با همسایگان در پیش گرفتند. پیروزی اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری در مرداد 1368 (اوت 1989) سیاست عملگرایانه و سیاست درهای باز در ارتباط با همسایگان و بهویژه کشورهای حوزه خلیج فارس در پیش گرفت. ایران پس از پایان جنگ با عراق به دنبال بازسازی نقش منطقه ای خود در منطقه خلیج فارس بود و راهکار آن را در احیای روابط منطقه ای خود با همسایگان میدانست. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران درصدد برآمد با مهمترین کشور شورای همکاری یعنی عربستان ارتباط برقرار کند. بدین ترتیب، ارتباطات دیپلماتیک دو کشور که پس از حادثه خونین حج سال 1366 / 1987 قطع شده بود بار دیگر در فروردین 1370 / مارس 1991 از سر گرفته شد و هر دو طرف سفارتخانه های خود را در پایتختهای یکدیگر بازگشایی کردند. حتی پیش از آن، دیدار علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه ایران، از کویت در 1990 هم گواهی بر این مدعا بود که ایران حاضر است از حامیان مالی صدام در جنگ علیه خود بگذرد و روابط خود را با همسایگان بازسازی کند. حمله عراق به کویت در 2 اوت 1991 و اشغال این کشور در کمتر از 24 ساعت و نامیدن آن به نام «استان شانزدهم عراق» باعث شد تا اعضای شورای همکاری که خود در تقویت صدام حسین در جنگ ایران - عراق نقش مستقیم داشتند، متوجه بشوند که دشمن اصلی آنان صدام حسین و رژیم بعث عراق است. در این زمان، جمهوری اسلامی ایران حمله متجاوزانه صدام حسین به کویت را محکوم کرد و تلاش کرد سیاست بیطرفانه ای در قبال جنگ در پیش بگیرد. این رویکرد ایران باعث شد تا حسن اعتماد میان کشورهای اعضای شورای همکاری و ایران بیشتر شود و ارتباط نزدیکتری بین ایران و اعضای شورای همکاری برقرار شود. عامل دیگری که در این دوره، باعث کاهش تنش میان ایران با سایر کشورهای حوزه خلیج فارس شد، تغییر ماهیت گفتمان «صدور انقلاب» در ایران بود. صدور انقلاب که تا پیش از این، ماهیت کاملاً ایدئولوژیک و آرمانگرایانه داشت و به دنبال صدور انقلاب در میان «امت اسلام» بود جای خود را به گفتمان «الگوسازی انقلاب اسلامی» و الهام گیری کشورهای اسلامی از فرایندهای توسعه در ایران داد. بنا به باور تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، «در این دوره صدور انقلاب مترادف با ارائه الگوی توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی به سایر کشورها تعریف شد. اعتقاد بر این بود که نظام حکومتی در ایران که ماهیت اسلامی دارد، اگر بتواند ثابت کند که از نظر اقتصادی نیز مدل موفق و کارآمد است، مسلمانان و کشورهای اسلامی به صورت خودکار و داوطلبانه از آن الگوبرداری خواهند کرد» (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، 1382) به نظر میرسد که در این دوره، جمهوری اسلامی با تغییر نگاه سیاسی آرمانی خود بر مبنای «ام القرای جهان اسلام» و هدفگذاری برای «امت اسلام» به نگاه واقع گرایانه و عملگرایانه به نظام بین الملل و قوانین حاکم بر آن، به دنبال اعتمادسازی و هر چه بیشتر پذیرفته شدن در ساختار نظام بین الملل و برای تأمین منافع ملی در چهارچوب قواعد دولت ملی و ملت ایران است که نخستین نشانه آن ارتباط سازنده با شورای همکاری بود. در چهارچوب بهبود روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری در این دوره، برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران در دسامبر 1997 را میتوان نقطه عطفی در این زمینه دانست. این اجلاس عالی ترین و روشنترین وجه از تمایل ایران و دولتهای خلیج فارس برای بسط روابط در قالبهای جدید بود. (Ramazani, 1998) چند ماه پس



از این اجلاس، دیدار آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران از عربستان در مارس ۱۹۹۸ زمینه گسترش روابط دوجانبه را افزایش داد. بهبود روابط ایران با کشورهای شورای همکاری با بازدید رئیس جمهور وقت ایران از شماری از کشورهای خلیج فارس شامل عربستان، قطر و بحرین در می ۱۹۹۹ به اوج رسید. بازدید رئیس جمهور ایران از عربستان سعودی نخستین سفر این مقام عالی رتبه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که مورد استقبال رهبران سعودی قرار گرفت. به نظر میرسد که تعارضات ایدئولوژیکی و ریشه های عمیق بیاعتمادی بین دو کشور چیزی نبود که بتوان با یک یا چند سفر دیپلماتیک به آسانی چالشهای میان دو کشور را حل و فصل کند.

#### دوره دهه اول هزاره سوم و سالهای اخیر

در سالهای آغازین هزاره سوم روابط رو به بهبود شورای همکاری با ایران در اواخر سده بیستم، بار دیگر به دلیل حوادث سیاسی داخلی در کشورهای عضو شورای همکاری و ایران و برخی حوادث خارج از منطقه خلیج فارس و عرصه بین المللی، وارد مرحله ای از روابط سرد، رقابتی و پرتنش شده است و حتی در برخی موارد تا آستانه مخاصمه و جنگ پیش رفته است. در این دوره، متغیرهای سیاسی مؤثر بر روابط دو طرف واحدهای سیاسی شمال و جنوب خلیج فارس بسیار زیاد است و بر همین اساس از پیچیدگی بسیار زیادی برخوردار است. عوامل مختلفی در ایجاد این رابطه پیچیده، پرفرازونشیب و پرتنش نقش داشته است که شرح و تحلیل هر یک از آنها و تأثیرش بر روابط شورای همکاری با ایران، جزئیات و حواشی بسیار زیادی دارد.

#### اختلاف بر سر جزایر سه گانه ایرانی

در طی ۱۵ سال گذشته، اختلاف میان ایران و امارات متحده عربی بر سر سه جزیره خلیج فارس روابط ایران را با همه کشورهای شورای همکاری تحت شعاع قرار داده است. حتی حرکات دوستانه آقای خامنه ای نیز نتوانست در حل این اختلاف به موفقیت بینجامد و به جای آن، تلاشهای وی این مشکل را تنها تحت کنترل نگه داشت. طبق روال همیشگی، در نخستین نشست سران شورای همکاری پس از روی کار آمدن حکومت جدید در ایران بار دیگر این مسأله مطرح گردید. دبیر کل شورای همکاری در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵ در ابوظبی ادعا کرد که به رغم درخواستهای امارات برای مذاکرات مسالمت آمیز مستقیم یا ارجاع مسأله به دیوان بین المللی دادگستری، ایران همچنان به اشغال این جزایر ادامه می دهد. ۵ روز ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵، آقای حمید رضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه ایران دیدگاههای شورای همکاری خلیج فارس درباره سه جزیره مورد اختلاف در خلیج فارس را «بی اساس و غیرقابل پذیرش» و تکراری توصیف کرد. وی گفت که ایران و امارات باید برای رسیدن به توافق بر سر سرنوشت ابوموسی گفتگوهای دوجانبه را دنبال کنند. این اختلاف در حالی ادامه دارد که گزارش يك انتشارات فرهنگی ایرانی تخمین می زند که در حدود ۴۰۰/۰۰۰ ایرانی در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار دارایی را در دوبي در اختیار دارند؛ بررسیهای دیگر این رقم را بسیار کمتر و در حد ۲۰ میلیارد دلار تخمین می زند که هنوز هم رقم چشمگیری است. موسسات اقتصادی ایرانی در حدود يك دهم شرکتهای موجود در منطقه آزاد دوبي را تشکیل می دهند. این منطقه صنعتی و تجاری از مالیات معاف است. این گونه تبادلات به تقویت تجارت میان امارات و ایران به میزان هفت میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ و چهار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ منجر شده است. این ارقام تجارت غیرقانونی را که نمی توان هیچ گاه محاسبه کرد، شامل نمی شود.

به رغم این اختلافهای دیپلماتیک میان دو سوی خلیج فارس، اعراب و ایرانیان بسیار مایل به تداوم تعاملات با یکدیگر هستند. پس از تصویب قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران شامل تحریمهایی بر بانکهای ایرانی، امارات متحده عربی به تجارت با ایران ادامه داد، در حالی که فشارهای آمریکا بر این کشور برای قطع پیوندهای مالی اش با ایران شدت گرفته بود. هر هفته حدود ۳۰۰ پرواز این دو کشور را به یکدیگر پیوند می دهد و در حدود ۹۵۰۰ شرکت در امارات شریکی ایرانی دارند که تا ۴۹ درصد سهام آن در اختیارشان می باشد. با این حال، اختلاف بر سر جزایر سه گانه خلیج فارس در زمان حکومت آقای احمدی نژاد نیز قابلیت حل شدن را نداشت؛ زیرا هر دو طرف هنوز بر سر ترتیبات حل و فصل مناقشه توافق نداشتند. هر چند در می ۲۰۰۷، آقای احمدی نژاد به نخستین رئیس دولت ایرانی تبدیل شد که تا کنون از زمان تأسیس امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ تا کنون از این کشور دیدار می کرد، این دیدار ظاهراً نتوانست به حل و فصل این اختلاف یاری برساند. افزون بر این، هر چند دولتهای عربی خلیج فارس و ایران بر سر این سه جزیره اختلاف دارند، این مناقشه را نمی توان به همه ابعاد روابط آنها تعمیم بخشید. آنان در زمینه های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی نگرانیهای متقابل نیز دارند. به همین دلیل، حفظ اعتماد متقابل برای هر دو طرف بیشترین اهمیت را دارد.

#### سیاست ایران در قبال شورای همکاری خلیج فارس در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی

حسن روحانی مشهور به «شیخ دیپلماتیک با رویکرد اعتدال و عمل گرایی خود بعد از انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور به دنبال پایان دادن به انزوای بین المللی ایران با جست و جوی راه حلی برای مسئله هسته ای ایران بود تا از درگیری غیر منطقی



و غیر ضروری در منطقه جلوگیری کند. بنابراین پس از مذاکرات طولانی و دشوار با قدرتهای جهانی سرانجام ایران به توافق نامه ای مبنی بر اجرای برنامه جامع اقدام مشترک در ژوئیه ۲۰۱۵ رسید که از ژانویه ۲۰۱۶ اجرا میشد. همچنین در نیمه اول سال ۲۰۱۴ محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران مقاله ای را در مجله امور خارجه نوشت که به طور جامع سیاست دیپلماتیک دولت روحانی را برای دستیابی به تعاملات چندجانبه، امنیت و همکاری ترسیم کرده بود. جمهوری اسلامی میتواند به طور فعال در احیای صلح، امنیت و ثبات منطقه ای نقش داشته باشد و در مرحله گذار کنونی در روابط بین الملل نقش تسهیلگر ایفا کند. داشتن روابط سازنده و اعتمادساز به ویژه با همسایگان نزدیک، سنگ بنای سیاست منطقه ای ایران خواهد بود (Zarif, 2014). پس از این سخنان امنیت منطقه ای به عنوان یکی از اصول مهم در سیاست خارجی دولت روحانی مطرح شد و بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس به عنوان اولویت اول منطقه ای نهاده شد در همین حال اختلافات در داخل شورا به حسن روحانی امکان ادامه روابط هدفمند با برخی کشورهای کوچک خلیج فارس را داد. به طور کلی شش دولت عضو شورا در قبال نگرش خود نسبت به ایران به سه دسته تقسیم میشوند: ۱. کشورهای دوست: عمان و قطر. ۲. کشورهای بی طرف کویت. ۳. کشورهای دشمن عربستان سعودی، بحرین و امارات. در ادامه روابط دولت روحانی با این کشورها را بررسی میکنیم

### تلاش برای بهبود روابط با عربستان سعودی

روحانی به خوبی میدانست ناتوانی در بهبود روابط با عربستان سعودی به طور کلی به معنای موفق نبودن ایران در دستیابی به روابط سازنده با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. از این رو، دولت روحانی برای ایجاد اعتماد متقابل تلاش کرد با همه همسایگان خود، از جمله کشورهای عربی و به ویژه عربستان سعودی برقراری روابط دوستانه را دنبال کند روحانی همچنین یک ابتکار امنیتی جمعی را در منطقه خلیج فارس پیشنهاد کرد؛ هرچند که این ابتکار جواب منفی سعودیها را در پی داشت در راستای اعتمادسازی متقابل، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در دسامبر ۲۰۱۳ از کویت عمان و قطر دیدار کرد ظریف در دوحه ابراز تمایل کرد که ایران با عربستان سعودی برای ثبات منطقه همکاری کند و گفت که توافق هسته ای ایران با قدرت های جهانی به هیچ وجه تهدیدی برای کشورهای حوزه خلیج فارس نخواهد بود. «ما معتقدیم که ایران و عربستان سعودی باید با هم همکاری کنند تا صلح و ثبات در منطقه تقویت شود» (Zarif, December 2013) به نظر میرسید که در ابتدا حداقل سعودی ها نیز مایل به مذاکره با ایران در مورد موضوعات متقابل بودند در اوت ۲۰۱۴ حسین امیرعبداللّهیان، معاون وزیر امور خارجه ایران با شاهزاده سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی در جده گفت وگو کرد. این نخستین سفر سطح بالای دولت ایران به عربستان از زمان ریاست جمهوری روحانی بود. آنها در مورد مبارزه با دولت اسلامی عراق و سوریه» (داعش) که هر دو کشور با آن مخالف بودند، گفت و گو کردند (2014 VOA News, 26 August).

با وجود این تلاشهای اولیه روابط ایران و عربستان سعودی پیشرفتی نداشت و در حقیقت پس از سال ۲۰۱۵ حتی رو به وخامت گذاشت. نکته اصلی نگرانی عربستان سعودی از چشم انداز توافق هسته ای دور از انتظار ایران با قدرتهای جهانی بود در همین زمان، روابط دو کشور با نبردهای نیابتی در منطقه وخیم تر شد و اختلاف نظرها در اوپک بر سر تولید ناشی از افت قیمت نفت، شرایط را پیچیده تر کرد. از سوی دیگر، با شهید شدن بیش از ۴۰۰ زائر ایرانی در زمان مراسم حج در مکه، ایران به شدت توانایی دولت سعودی و همچنین مدیریت آنها را به عنوان سرپرست و میزبان این دو مکان مقدس زیر سؤال برد در اواخر دسامبر ۲۰۱۵ عربستان سعودی از تشکیل ائتلاف ضد تروریسم اسلامی خبر داد که شامل ۳۴ کشور مسلمان بدون ایران بود. علاوه بر جنگ با داعش، هدف اصلی ائتلاف مبارزه با تروریسم شیعه به رهبری ایران بود. بدتر شدن اوضاع میان دو کشور با اعدام شیخ نمر روحانی شیعه به مرحله بحرانی رسید؛ سعودیها شیخ نمر را به عنوان «تروریست» معرفی کردند و معتقد بودند که او ضمن اقدامات تروریستی از سال ۲۰۱۱، رهبری جنبش ضدولتی شیعه در استانهای شرقی عربستان سعودی را برعهده داشته است. پس از اعدام شیخ نمر، تظاهراتکنندگان ایرانی با حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران، سبب قطع روابط دیپلماتیک با ایران شدند بحرین هم این اقدام را انجام داد.

با وجود اتفاقات صورت گرفته ایران و عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ برخی همکاریها را با وجود قطع روابط دیپلماتیک ادامه دادند در نوامبر و به دنبال توافق هسته ای، ایران با کشورهای صادرکننده نفت در اوپک از جمله عربستان سعودی توافق کردند ایران مجاز به افزایش تولید باشد؛ در حالی که دیگر اعضا تولید خود را به درجات مختلف باید کاهش دهند عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ از مقامات ایرانی دعوت کرد تا در مورد از سرگیری زیارت حج صحبت کنند. ایران موافقت کرد از سال ۲۰۱۷ زیارت مکه مکرمه را از سر بگیرد با این حال پس از ریاست جمهوری دونالد ترامپ، سیاست منطقه ای عربستان سعودی با شدت گرفتن جنگهای نیابتی با ایران تهاجمی تر شد. برای نمونه بحران قطر در ژوئن ۲۰۱۷ و محاصره تحمیل شده از سوی چهار کشور عربستان سعودی، امارات، بحرین و مصر بیش از همه شامل نارضایتی عربستان سعودی از ادامه روابط قطر با ایران بود روابط خصمانه عربستان سعودی با ایران با به قدرت رسیدن شاهزاده بن سلمان در عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسید. حملات مخرب و غیر منتظره پهپادها به تأسیسات نفتی آرامکو در Abqaiq و Khuraisan در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹

این درگیریها را به مرحله جدیدی هدایت کرد. به طوری که سعودیها ایران را متهم به طراحی این حمله کردند تا نیمی از تولید نفت آنها را مختل کند (The Guardian, 2019). با توجه به اتفاقات رخ داده در این چند سال، می توانیم بگوییم اهداف روحانی برای بهبود روابط با سعودیها با شکست کامل مواجه شد.

### تلاش برای بهبود روابط با کشورهای کوچک شورای همکاری خلیج فارس

در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس سه کشور به طور کلی با ایران دوست هستند. در عمان سلطان قابوس هیچ تناقضی بین اتحاد عمان با ایالات متحده و دوستی با ایران نمیدید. عمان که بیشتر از هژمونی عربستان سعودی در منطقه ناراضی است برای مدیریت مشترک تنگه هرمز و توسعه اقتصادی به همراهی ایران نیازمند است پس از بهار عربی مخالفت قطر با فشار اسد در سوریه و حمایت آن از سرکوب نظامی عربستان سعودی بر جمعیت شیعیان بحرین منجر به بیگانگی با ایران شد (Kamrava, 2017). اما رویکرد قطر به ایران به طور چشمگیری متفاوت از رویکرد عربستان سعودی است و بحث در مورد روابط نزدیکتر و صمیمانه تر با تهران است. به دلیل مشکلات شیعیان کویت مدتهاست که نگران گسترش ایران در عراق است. این کشور بارها ایران را به ایجاد ناآرامی شیعیان در این کشور متهم کرده است با این حال، نگرش کویت نسبت به ایران نیز خصمانه نیست و هر دو کشور روابط عادی دیپلماتیک را با یکدیگر حفظ کرده اند. به طور گسترده تری، عمان، کویت، قطر و امارات متحده عربی علاقه مند به طرح صلح روحانی بودند. عمان همچنین اولین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بود که روحانی از آنجا دیدار کرد روحانی در مارس ۲۰۱۴ به عمان و کویت سفر کرد که اولین سفر وی به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج از زمان تصدی پست ریاست جمهوری بود. در ۱ ژوئن ۲۰۱۴، امیر کویت به دعوت رئیس جمهور ایران به تهران سفر کرد. او در جریان این بازدید با رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه ای دیدار کرد و گفت کویت آماده است دور جدیدی را در روابط دو کشور شروع کند (Alsalloumand And Tayie, 2018).

قطر و تهران در سال ۲۰۱۴ برای همکاری بیشتر در زمینه تجارت دو جانبه توافقهایی کردند و از برنامه ریزی ایجاد سه منطقه آزاد تجاری در بندر بوشهر و بندر دوحه و الروویس خبر دادند. وزیر خارجه قطر، خالد بن محمد العطیه پس از امضای برجام گفت: این بهترین گزینه در میان گزینه های دیگر برای یافتن راه حل به وسیله گفت گو بود... اطمینان داریم که همه تلاشهایی که شده است به منطقه ای امن و پایدار کمک خواهد کرد (The Washington Post, 3 August 2015). امارات متحده عربی در رقابتهای منطقه ای مانند سوریه بحرین و یمن از عربستان سعودی پیروی کرده است و با ایران اختلافات سرزمینی دارد اما در آغاز نیز به طرح صلح روحانی پاسخ مثبت داد. امارات متحده عربی فکر میکرد که این طرح ممکن است زمان مناسبی برای مذاکره با ایران بر سر مالکیت سه جزیره باشد در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، عبدالله بن زید النحیان، وزیر خارجه امارات متحده عربی به تهران سفر کرد و توافق نامه ای از ایران برای آغاز گفت وگوهای دو جانبه درباره وضعیت جزیره ابوموسی به دست آورد. همچنین در ۴ دسامبر ۲۰۱۳، محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به امارات متحده عربی سفر کرد و از رهبر امارات متحده عربی برای بازدید از ایران دعوت کرد با این حال نه تنها رئیس دولت امارات متحده عربی به ایران نیامد بلکه به علت نبود اعتماد دوجانبه عمیق تاکنون پیشرفت چشمگیری در روابط این دو کشور به وجود نیامده است. در حقیقت، پیش از انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و ایران از احتمال آغاز گفت وگو در مورد امنیت خلیج فارس به توافقهایی رسیده بودند. به شکلی که وزیر امور خارجه ایران بارها بر لزوم چنین گفت وگوهای تأکید کرده بود. همچنین ظریف اعلام کرد که تعامل سازنده ایران با کشورهای همسایه بسیار فراتر از مذاکرات هسته ای برای ایران اولویت دارد. (The New York Times, 20 April 2015)

پس از آنکه عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد، دولت روحانی به جای تمرکز بر بهبود روابط با همه کشورهای شورا همکاری سازنده دو جانبه با کشورهای همسایه را آغاز کرد. عمان و قطر همچنان روابط دوستانه با ایران را حفظ کردند و امارات متحده عربی در مورد قطع روابط دیپلماتیک عربستان و ایران موضع بی طرفانه ای گرفت. دبی همچنان شریک اصلی تجارت ایران باقی مانده است و تجارت بین امارات و ایران در سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ افزایش یافت زیرا توسعه اقتصادی ایران پس از برداشته شدن تحریم ها سبب افزایش واردات شد (IMF, 2018). روحانی همچنین به دنبال مقابله با عربستان سعودی با میانجیگری کشورهای کوچکتر خلیج فارس بوده است در ژانویه ۲۰۱۷ روحانی گفت: کشورهایی از جمله کویت پیشنهاد داده اند که در نزاع و تشدید میان ایران شیعه و عربستان سعودی سنی میانجیگری کنند (Reuters, 25 January 2017). بعد از این اعلام وزیر امور خارجه کویت برای آمادگی «آغاز گفت وگو» میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و ایران به تهران سفر کرد. این دیدار روحانی را

ترغیب کرد تا دوباره تلاش کند روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را بهبود بخشد. روحانی به امید تقویت همکاریهای اقتصادی و امنیتی در ۱۵ فوریه ۲۰۱۷ از عمان و کویت دیدار کرد. دیدار روحانی ضمن بهبود روابط با عمان و کویت برای دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی مناسب نبود. همچنین پس از محاصره قطر در ژوئن



۲۰۱۷، روابط ایران با قطر نزدیکتر شد اما روابط با عربستان سعودی بحرین و امارات رو به سردی گذاشت. تلاشهای دولت روحانی برای بهبود روابط با همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ناکام مانده بود. تحولات اخیر خلیج فارس منجر به ناامنی تانکرها و نفتی و حمله غیر منتظره و بی پروا به کارخانه نفت سعودی در شرق این کشور شد حوثی های یمن گفتند این حمله ها را آنها انجام داده اند و به صورت کاملی از سوی ایران رد شده است اما شکاف دیپلماتیک میان ریاض و تهران را بیشتر کرده است (Al Jazeera, 27 September 2019).

### افزایش قدرت ایران و تشدید بی اعتمادی به شورای همکاری خلیج فارس

به دور از بهبود دوره ای روابط با بعضی از کشورهای شورا در دولت روحانی شاهد افزایش بی اعتمادی متقابل میان ایران و بیشتر کشورهای عربی هستیم به طوری که بی اعتمادی دیرینه و عمیق میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نتوانست بر ادراک تصمیمگیران این کشورها برای تحقق روابط سازنده تأثیر مثبتی بگذارد همچنین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مدعی نام «خلیج عربی» هستند، اما نه تنها در همه نقشه های جهان، بلکه ایران با اکثریت پارس این دریا را به عنوان بخش دیگری از هویت مردم خود در طول تاریخ به تصویر کشیده است. در همان حال، به نظر میرسد ایران سیاست توسعه منطقه ای را در جهان عرب دنبال میکند هویت ایران که خود را رهبر جنبش ضدژمونیک در جهان اسلام میدانست متغیر مهمی در تحلیل رفتار سیاست خارجی این کشور در منطقه خلیج فارس است (Parsi and Rydqvist, 2011).

### آثار برنامه هسته‌ای ایران

کشورهای عربی در بیشتر دوران طرح موضوع هسته‌ای ایران در این خصوص از اظهار نظر پرهیز می‌کردند. این گونه سکوت کشورهای عربی خلیج فارس در خصوص برنامه هسته‌ای ایران موجبات نگرانی ایالات متحده را فراهم آورده بود به گونه‌ای که از نظر تحلیل‌گران آمریکایی، واشنگتن از اظهارات علنی مقامات خلیج فارس در خصوص حادثه احتمالی هسته‌ای در ایران خرسند می‌شود. این سناریو که با توجه به موقعیت ایران در منطقه‌ای زلزله‌خیز کاملاً محتمل است، موضوعی تکراری در دیپلماسی آمریکا در سالهای اخیر بوده است. به نظر می‌رسد دولتهای عربی انتظار دارند ایران به کشورهایی که در طی این بحران کمتر حالت تهاجمی داشتند، پاداش بدهد و یا دست کم آن را به خاطر داشته باشد. شاید همین مسأله موجب دادن رأی منفی از سوی قطر در اجلاس شورای امنیت ملل متحد در تیر ۱۳۸۵ در هنگام صدور قطعنامه ۱۶۹۶ در خصوص برنامه هسته‌ای ایران گردید. در واقع، قطر تنها عضو از ۱۵ عضو شورا بود که به قطعنامه رأی مثبت نداد. در واقع، اعراب خلیج فارس اهرم فشار ناچیزی بر ایران دارند، مایل به پرداخت بهای سنگین در یک نبرد از پیش باخته نیستند، و حساب می‌کنند که ایران واقعاً مایل به دریافت مزایای اقتصادی و تضمینهای امنیتی است که تنها آمریکا و اروپا می‌توانند آن را ارائه کنند. در این چارچوب، آنچه آنان می‌توانند انجام دهند، ناچیز است: آنان در یک زمان از ایران به خاطر درایتش در پذیرش معامله با اروپاییها که برای کاهش تنش صورت گرفت، ستایش کردند.

با وجود این، با اوج‌گیری تنش بر سر مسأله هسته‌ای ایران که به تصویب سه قطعنامه شورای امنیت ملل متحد شامل برخی تحریمها علیه ایران انجامید، دولتهای شورای همکاری خلیج فارس این نکته را ضروری دیدند که خود را بیشتر در این مسأله درگیر سازند. به همین دلیل، جلسه‌ای را با اعضای دائمی شورای امنیت در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸ برگزار کردند، ولی این حرکت مورد انتقاد شدید ایران قرار گرفت. دیوید میلیبند، وزیر خارجه بریتانیا، در توجیه نیاز به برگزاری این جلسه اعلام داشت که هدف این جلسه برای شش قدرت درگیر در پرونده هسته‌ای ایران بحث بر سر نگرانیهای دولتهای عربی در خصوص بلندپروازیهای هسته‌ای تهران بود. برگزاری این جلسه موجب شد ایران به دولتهای عربی هشدار بدهد که نباید در قضیه برنامه هسته‌ای ایران با غرب همپیمان شوند. برای نمونه، آقای علی لاریجانی، رئیس مجلس ایران، از دولتهای عربی خواست تا در پرونده هسته‌ای ایران دخالت نکنند. وی گفت که صلاح دولتهای عربی در این است که در پرونده هسته‌ای ایران مداخله نکنند، زیرا به پرستیژ آنها آسیب می‌زند. بدین ترتیب، آشکار می‌شود که ایران هنوز ترجیح می‌دهد دولتهای عربی خلیج فارس در مسأله هسته‌ای ایران اگر هم به پشتیبانی از ایران نمی‌پردازند، دست کم ساکت بمانند، زیرا این امر چارچوب این کشمکش را از اختلاف ایران و غرب به اختلاف ایران و اجتماع جهانی تغییر خواهد داد.

بعد از توافق هسته ای ایران در سال ۲۰۱۵ عربستان سعودی و متحدان این کشور در شورا این توافق را تهدیدی بزرگ تلقی کردند که به طور بالقوه ایران را به یک سیاست تهاجمی در منطقه ترغیب خواهد کرد به همین دلیل از زمانی که ترامپ یک جانبه از توافق هسته ای ایران در ۸ مه ۲۰۱۸ خارج شد، سعودیها و متحدان آنها (امارات متحده عربی و بحرین این اقدام را فرصتی تعیین کننده برای بررسی و جلوگیری از نفوذ روزافزون و گسترش راهبردی ایران میدانستند. همچنین این تحولات همگرایی نادر از علاقه به اسرائیل میان کشورهای شورا ایجاد کرد که به طور مداوم و با صدای بلند مخالف سیاست تعامل رئیس جمهور اوباما با ایران بودند. همچنین آنچه عربستان و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج را نگران کرد، در اصل



افزایش سریع قدرت ایران بود پس از برداشته شدن تحریمها وضعیت بین المللی ایران بهبود یافت و در امتداد آن با رشد اقتصادی، رکود چند ساله کشور به پایان رسید و با توجه به پیشبینیهای لحاظ شده از مزایای توافق هسته ای اقتصاد ایران در مسیر مثبتی قرار گرفت و این موضوع باعث شد که تورم مهار و پول ملی ارزش واقعی خود را بازیابد بر اساس داده های بانک مرکزی، نرخ تورم از ۷، ۳۴ درصد در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ۹ درصد در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رسید. این کاهش نرخ تورم برای اولین بار از زمان انقلاب اسلامی اتفاق افتاده بود. همچنین اقتصاد ایران از رکود خارج شده و به رشد ۵، ۱۲ درصد رسیده بود (Kaya and Artepe, 2015).

به موازات گسترش آمارهای اقتصادی، دولت به سرعت بهبود روابط با قدرتهای بزرگ جهان به استثنای ایالات متحده را در اولویت قرار داد همچنین در پی توافق برجام، علاقه زیادی به توسعه روابط اقتصادی با ایران به وجود آمد در آگوست ۲۰۱۵ ایران و ایتالیا توافق نامه ای را برای از سرگیری تجارت در بخشهای نفت و گاز و پتروشیمی امضا کردند پس از آن هیئتهای وزیران عالی و تجاری از اسپانیا، استرالیا، انگلیس، فرانسه، آلمان، نیوزلند و کشورهای دیگر برای کشف فرصت های تجارت و سرمایه گذاری به ایران سفر کردند ابر گولهای نفت و گاز همچون توتال لوکوویل، روزنفت، انی، سینوپک، استاتویل پتروبراس رویال هلندی شل و بریتیش پترولیوم نیز در جست و جوی فرصتهای همکاری در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ از ایران بازدید کردند. در ژانویه ۲۰۱۶، روحانی از ایتالیا و فرانسه دیدار و چندین قرارداد عظیم را امضا کرد. علاوه بر اروپاییان، کشورهای آسیایی و آفریقایی مانند، چین، هند کره جنوبی و آفریقای جنوبی نیز به صورت جدی در حال بررسی بازار ایران بودند. بنابراین دیپلماسی چندجانبه روحانی برای بهبود جایگاه بین المللی و رفع انزوای جهانی در حال نتیجه دادن بود. حضور دوباره ایران در جامعه بین المللی نه تنها سبب رونق اقتصاد داخلی شده بود بلکه راه را برای نهادهای کردن ثبات منطقه ای باز کرد. با وجود این عربستان سعودی و متحدانش نظر دیگری را در پیش گرفتند، زیرا از منظر این کشورها اگرچه تهدیدات احتمالی هسته ای ایران کاهش یافت لغو تحریم ها می توانست دست تهران را در سطح منطقه باز بگذارد و عربستان سعودی را در وضعیت نامطلوب تری در منطقه خلیج فارس قرار دهد. در همین زمینه آژانس مطبوعاتی عربستان سعودی خواهان ایجاد توافق جدید کشورهای بزرگ با ایران شده بود؛ زیرا سعودی ها معتقدند که در صورت عدم توافق جدید با ایران هیچ وقت شاهد خاورمیانه عاری از سلاحهای کشتار جمعی از جمله سلاحهای هسته ای نخواهیم بود (Reuters April 2015) در حقیقت سعودی ها از توافق هسته ای بسیار ناراضی بودند. شاهزاده بندر بن سلطان سفیر پیشین عربستان در واشنگتن و یکی از چهره های تأثیرگذار ایران ستیز با بیان اینکه توافق هسته ای در منطقه خاورمیانه، منطقه ای که بیشتر مشغول درگیریهای بزرگ بود آتش جنگ را دوباره احیا میکند خواهان توافق جدید با ایران بوده است (Al Arabia, 14 July 2015).

عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده عربی قدرت یابی دائمی «ایران» را به «کابوس» تعبیر میکنند و معتقدند که مکانیسم امنیت جمعی منطقه ای که روحانی از آن حمایت میکند به عنوان برنامه ای جامع برای هژمونی منطقه ای ایران قابل درک است و هرگونه روابط برابر با کشورهای شورای همکاری خلیج را خنثی خواهد کرد. در مقابل مهار افزایش پایداری ایران در آنچه که «هلال شیعه» توصیف شده است به هدف اصلی این کشورها تبدیل شده است اما آنچه که به شکل گسترده و رایج به عنوان کشمکش تاریخی و مذهبی ریشه دار شناخته میشود در واقع حرکتی سیاسی و راهبردی برای هژمونی منطقه ای با عنوان بازی قدرت در منطقه است. فرایند منجر به امضای قرارداد برجام و پیامدهای منطقه ای، آن نگرانی کشورهای شورای همکاری در قبال شکل گیری ایران به عنوان یک هژمون منطقه ای را اثبات کرده بود. برای کاهش این نگرانیها و در آستانه توافق نامه دولت اوپاما در اردوگاه دیوید با رهبران شورای همکاری دیدار کرد. این دیدار باعث شد که دولت اوپاما تعهد خود را به مشارکت راهبردی آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس برای ایجاد روابط نزدیکتر در همه زمینه ها از جمله همکاری های دفاعی امنیتی و توسعه رویکردهای جمعی در مورد مسائل منطقه ای اعلام کند (The White House Office of the Press Secretary, 14 May 2015) ایالات متحده همچنین از این فرصت استفاده کرد تا مقدار زیادی سلاح به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بفروشد. این تبادل اسلحه سبب شد برخی ناظران بگویند که این ملاقات نه تنها ارتباطی با دیپلماسی جهانی نداشته است بلکه عرضه سلاح در یک نمایشگاه بزرگ بود. همچنین سفر شخصی بن سلمان به واشنگتن در سپتامبر ۲۰۱۵ تأییدی بر نگرانی سعودی ها از افزایش نفوذ ایران در منطقه بود بنابراین ایالات متحده و عربستان سعودی لزوم ادامه تلاش برای حفظ امنیت رفاه و ثبات در منطقه و به ویژه برای مقابله با فعالیتهای بی ثبات کننده ایران را تأیید کردند (The White House Office of the Press Secretary, 4 September 2015). افزایش همکاری های امنیتی بین ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس به نوبه خود برای حفظ موازنه قوا در خلیج فارس سبب گسترش برنامه های موشکی و منطقه ای ایران شد و به دور جدیدی در «مارپیچ خصومت بین آنها دامن زد حتی پس از برجام هم فعالیتهای آزمایشی برنامه موشکهای بالستیک ایران افزایش چشمگیری یافته است از دیدگاه آمریکایی ها و سعودیها تصمیم قدرتهای بزرگ مداخله گر در توافقنامه برجام برای محدودکردن توانایی تولید کلاهک هسته ای و نبود کنترل بر کشورهای تحویل دهنده چنین سلاحهایی به ایران، یکی از انتقادهای اساسی علیه این توافق است (Fitzpatrick, 2017) با این حال یک هفته پس از امضای این توافق نامه شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۲۲۳۱ را تصویب کرد تا این کمبود را جبران کند: «از ایران خواسته میشود که هیچ فعالیتی در رابطه با موشکهای بالستیک که به منظور



تهیه تسلیحات هسته ای از جمله پرتاب با استفاده از فناوری موشکی بالستیک طراحی شده اند، آغاز نکند» (UN, 2015, SCR2231). اما ایران معتقد است که توسعه موشک هایش دفاعی است و این موضوع «غیر قابل مذاکره» است. در اکتبر ۲۰۱۵ دولت اوپاما پس از انجام آزمایش موشکی ایران تلاش کرد تحریمها را دوباره اعمال کند زیرا اوپاما امیدوار بود که توافق هسته ای ایران را با جامعه بین الملل متحد کند و سرانجام تهران را از سیاست گسترش منطقه ای و رویارویی با ایالات متحده منصرف کند و نیروهای شیعه و سنی در خاورمیانه را متعادل کند.

دونالد ترامپ پس از رسیدن به ریاست جمهوری سیاست تعامل اوپاما با ایران را کاملاً معکوس کرده است. این سیاست ارتباطی ناگسستگی دارد با دیدگاه سنتی آمریکا در مورد ایران به عنوان «دولت سرکش» و حامی دولت تروریسم. همچنین از نظر ادراکی ترامپ میخواد نشان دهد که نسبت به پیشینیان خود در برخورد با ایران توانایی بیشتری دارد اوپاما با توافق هسته ای تلاش کرد قدرت رو به رشد ایران را خنثی کند در حالی که دولت ترامپ ضمن خارج شدن از برجام دوباره خواستار توافقی جدید با اعتمادسازی متقابل با سران جمهوری اسلامی ایران است ترامپ با این کار روابط با متحدان سنتی مانند عربستان سعودی و اسرائیل را بهبود بخشیده است به طوری که نخستین سفر خارجی ترامپ به عربستان و اسرائیل با هدف صریح مهار ایران بود. او در این سفر ۱۱۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان سعودی، فروخت از تانکها و کشتیهای جنگی گرفته تا سیستمهای دفاع موشکی و فناوری امنیت سایبری (New York Post, 20 2017 May). همچنین از سپتامبر ۲۰۱۷، دولت ترامپ ضمن متهم کردن کنگره معتقد بود که همه اعضای کنگره مطابق با توافق نامه برجام در حال کمک به افزایش نفوذ ایران در منطقه هستند. از این رو خواستار مذاکره مجدد با ایران شد. در اکتبر ۲۰۱۷، دولت ترامپ راهبرد جدیدی را برای ایران منتشر کرد. در این راهبرد ایران را به توسعه و تکثیر موشکهای بالستیک پشتیبانی از تروریسم و افراط گرایی، حمایت از بشار اسد و خصومت با اسرائیل متهم کرد The White House در ۸ مه ۲۰۱۸، سرانجام ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده به شکل رسمی از برجام خارج خواهد شد و «سخت ترین مجازات تاریخ» علیه ایران را ظرف شش ماه احیا میکند. به نظر میرسد نگرانی های ترامپ درباره ایران دیگر مربوط به مسئله هسته ای، نبود بلکه درباره برنامه موشکی، ایران گسترش منطقه ای و سیاست سرسخت ضدآمریکایی مردم ایران بود همچنین در ۴ اکتبر ۲۰۱۸ دولت ترامپ راهبرد جدید ملی ضدتروریسم آمریکا با تأکید بر آمریکا «اول را منتشر کرد که تهدید ایران برای امنیت ملی ایالات متحده به طور قابل توجهی افزایش یافته بود (The White House, 2018). پس از سال ۲۰۱۹ هم تحریمهای آمریکا علیه ایران با هدف فشار حداکثری برای تغییر رفتار و حتی تغییر نظام جمهوری اسلامی در حال پیگیری است.

منتقدان معتقدند که این سیاست با مقاومت حداکثری در برابر فشار ترامپ به شکست نزدیک شده است، زیرا در حقیقت آزمایش موشکی ایران پس از به قدرت رسیدن ترامپ شدت گرفته است. همچنین این آزمایشها روابط تنش زا با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را تشدید کرده و سبب ایجاد مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده است. دولتهای شورای همکاری همانند عربستان سعودی، امارات قطر و کویت همچنان متعهد به خرید و استفاده از سامانه موشکی پدافند هوایی پاتریوت و ترمینال هستند که این خریده ها باعث تحریک بیشتر فعالیتهای موشکی ایران شده است (Stein, 4 January 2019). موضوع بحث برانگیز این است که موشک های ایرانی در درجه اول به پایگاه های نظامی آمریکا در خلیج فارس و اسرائیل و نه به صورت مستقیم به خود کشورهای شورا نشانه گرفته شده است اگرچه حمله سپتامبر به تأسیسات نفتی عربستان سعودی مسیر منازعات در منطقه را به سمت دیگری سوق داده و منجر به ادعاهای جدی درباره اهداف منطقه ای ایران شده است. مقامات آمریکا و عربستان سعودی به طور مستقیم انگشت اتهام خود را به سوی ایران رفته اند.

تصمیم گیران ایران برای کاهش سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران راه حل های قانونی مختلفی را امتحان میکنند نه حمله به تأسیسات نفتی و برقی کشورهای دیگر. با وجود این، از آنجا که دولت ترامپ آشکارا میخواد صادرات نفت ایران را به صفر برساند، تصمیم گیران کشورمان به صراحت اعلام کردند که اگر ایران نتواند نفتی صادر کند پس دیگران هم نمیتوانند این کار را در منطقه انجام دهند (BneIntelliNews July 2021) این جمله اینگونه تفسیر می شود که ایران به راحتی مانع آزادی پیمایش در تنگه هرمز خواهد شد که حدود ۲۰ درصد از محموله های نفتی جهان از آنجا عبور می کند بنابراین برای مهار، ایران ایالات متحده میکوشد «اتحاد راهبردی خاورمیانه را میان ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و مصر - اردن ایجاد کند. این اتحاد هنوز شکل نگرفته است زیرا کشورهای عربی بر سر سیاستهای خود در قبال ایران هم عقیده نیستند. اما دولت ترامپ ضربه ای سنگین به خواسته ایران برای بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس هم دولتهایی که روابط خصمانه ای با ایران داشتند و هم دولتهایی که روابط معتدلی با ایران برقرار کرده بودند وارد کرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران تلاشهای متعددی را برای تنش زدایی و اعتماد سازی با کشورهای عربی خلیج فارس به انجام رسانده و مداخله کشورهای خارجی از جمله آمریکا و انگلیس را مانعی بر سر راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی، برای امنیت سازی در خلیج فارس تلقی می‌کند. به طور کلی امنیت منطقه خلیج فارس را از دو نگاه میتوان بررسی کرد. اول نگاه ایران به امنیت منطقه خلیج فارس و دوم نگاه کشورهای عربی به این موضوع است. از منظر ایران، ایجاد امنیت در منطقه مستلزم خروج قدرت های فرامنطقه ای و گسترش همکاریهای سیاسی نظامی و اقتصادی بین کشورهای منطقه است. از نظر ایران دخالت قدرتهای بزرگ در منطقه موجب ناامنی و بی ثباتی در این منطقه است. اما کشورهای عربی به دلایل مختلف از جمله نظامهای خاص حکومتی، همواره امنیت و ثبات خود را در حضور قدرتهای بزرگ در منطقه جستجو می‌کنند. به نظر ایران مهمترین علت ناکارآمدی طرحهای امنیتی منطقه خلیج فارس "وارداتی و تحمیلی بودن این طرحها" است. قدرتهای بزرگ قبل از آنکه در اندیشه تامین امنیت منطقه باشند به تامین منافع ملی خود ولو به هزینه امنیت منطقه اندیشیده اند. از این رو اینگونه طرح ها با مقتضیات این منطقه سازگاری نداشته و تنها پاسخگوی نیازهای امنیتی قدرتهای بزرگ بوده است بنابراین نمیتوان انتظار داشت ثبات و پایداری و امنیت با حضور آمریکا و انگلیس و نیروهای بیگانه در منطقه به وجود بیاید. حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس نوع روابط کشورهای منطقه به ویژه عربستان با آمریکا و قدرتهای خارجی جهت گیری کشورهای منطقه در مقابل ایران، نقش قدرت های خارجی در منطقه و نحوه تعامل آنها با ایران، عواملی هستند که بر وضعیت امنیتی ایران در منطقه خلیج فارس اثرگذار هستند. همچنین عدم اعتماد کامل ایران و کشورهای عربی به یکدیگر، وجود برخی اختلافات سیاسی و حضور قدرتهای بزرگ در خلیج فارس تردیدها و بدفهمی ها در خصوص برنامه های هسته ای ایران و غیره از جمله موانعی محسوب می‌شود که ابر آن در سر راه خود در ارتباط با امنیت خلیج فارس دارد. مشکلات فوق تنها با در پیش گرفتن رویکرد همکاری جویانه و کاهش تدریجی عدم اطمینان و بدبینی و با پیوند بیشتر منافع مرتفع می‌شود.

بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران با هدف مقابله با حضور نیروهای نظامی خارجی به طور مستمر خواهان خروج نیروهای بیگانه از منطقه و عدم مداخله دولت های فرامنطقه ای در امور خلیج فارس بوده است. ایران همواره معتقد است که کشورهای منطقه با همکاری با هم، بهتر می‌توانند امنیت منطقه را تأمین کنند.

## منابع

تاجیک، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، "الگوهای صدور انقلاب در گفتمانهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، راهبرد، شماره 27، 1382، صص 61-80.

حافظ نیا، محمدرضا، 1388، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت، چاپ پنجم.

Al Arabia (14 July 2015), "Saudi prince: Iran deal worse than the one with N. Korea", available at: <http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2015/07/16/Saudi-Prince-Bandar-Iran-dealworse-thanNorth-Korean-deal.html>

Al Jazeera (3 December 2013), "Zarif asks Saudi Arabia to work with Iran", available at: <https://www.aljazeera.com/news/middleeast/2013/12/zarif-asks-saudi-arabia-work-with-iran-2013122154323461970.html>

Al salloumand, Khaled Abdulaziz and. Tayie, Mohamed Salman, (2018), "The present and future of Kuwaiti-Iranian relations and their influence on the security of the Arabian gulf", Asian Social Science, Vol. 14, No. 1

Amirahmadi, H. (1993), The United States and the Middle East: A Search for New Perspectives, SUNY Press.

IMF (2018), "Direction of trade statistics", available at:

Kamrava, Mehran (2017) "Iran-Qatar relations", in Bahgat, Gawdat et al., "Security and Bilateral Issues between Iran and Its Arab Neighbors", edited, Macmillan: Palgrave

Kaya, Sezgin and Sartepe, Zeynep (2015), "Contentious politics in Iran: factions, foreign policy and the nuclear deal", Alternative Turkish Journal of International Relations, Vol. 14, No. 3.

Kechichian, J.A. (1990), The Gulf Cooperation Council and the Gulf War, in: The Persian Gulf War: Lessons for Strategy, Law, and Diplomacy, Edited by Christopher C Joyner, Greenwood Press.

Marschall, C. (2003), Iran's Persian Gulf policy: from Khomeini to Khatami, London: Routledge

Parsi, Rouzbeh and Rydqvist, John, (2011), “Iran and the West: regional interests and global controversies”, FOI report, the Asian Security Studies Program, p. 54, available at: <https://www.foi.se/reportssummary?reportNo=FOI-R-3168-SE>

Ramazani, R.K. (1998), “The Emerging Arab–Iranian Rapprochement; Towards on Integrated U.S policy in the Middle East”, Middle East Policy, Vol 6, No 1.

Reuters (25 August 2013), “Oman’s Qaboos on Tehran visit, US-Iran mediation in focus”, available at: <https://www.reuters.com/article/us-iranoman-idUSBRE97O06820130825>.

Reuters (25 January 2017), “Kuwait to deliver message to Iran on dialogue with Gulf Arab states”, available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-kuwait/kuwait-to-deliver-message-to-iran-on-dialogue-with-gulf-arab-states-idUSKBN1582GF>

Stein, Alfred (2019), “Middle East missile race: the missile defense review, Iran, and the implications for the Gulf”, Foreign Policy Research Institute, available at: <https://www.fpri.org/article/2019/01/middle-east-missile-race-the-missile-defense-review-iran-and-the-implications-for-the-gulf>

The New York Times (20 April 2015), “Mohammad Javad Zarif: a message from Iran”, Available at: <https://www.nytimes.com/2015/04/20/opinion/mohammad-javad-zarif-a-message-from-iran.html>

The Washington Post (3 August 2015), “On Kerry visit, Arab nations express support for Iran nuclear agreement”, available at: [https://www.washingtonpost.com/world/middle\\_east/on-kerry-visit-arab-nations-express-support-for-iran-nuclear-agreement/2015/08/03/36bbebea-36d3-11e5-ab7b-6416d97c73c2\\_story.html?utm\\_term=.7151227c4b69](https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/on-kerry-visit-arab-nations-express-support-for-iran-nuclear-agreement/2015/08/03/36bbebea-36d3-11e5-ab7b-6416d97c73c2_story.html?utm_term=.7151227c4b69)

The White House Office of the Press Secretary (14 May 2015), “USGulf Cooperation Council Camp David joint statement”, available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-pressoffice/2015/05/14/usgulf-cooperation-councilcamp-david-joint-statement>.

UNSCR2231 (2015), p. 99, available at: <https://www.undocs.org/S/RES/2231>.

VOA News (26 August 2014), “Iranian Minister: Saudi talks constructive”, available at: <https://www.voanews.com/world-news/middle-east-dont-use/iranian-minister-saudi-talks-constructiv>.

Zarif, Mohammad Javad (2014), “What Iran really wants: Iranian foreign policy in the Rouhani era”, Foreign Affairs

## Political challenges of Iran's foreign policy in the Persian Gulf in 2015-2023

Masoumeh Aliyanpour

aliyanmasome@gmail.com

### 1-1- Abstract

Tensions between the Islamic Republic of Iran and the Persian Gulf Cooperation Council are considered to be one of the ongoing conflicts in the Middle East region, which have been emanating from the conflicting approaches of the Persian Gulf Cooperation Council towards the Islamic Republic of Iran and the values and ideals arising from it, during the past three decades. . There has been little evidence for the settlement of conflicts between the two sides during the past decades. In fact, the clash, the interests of the struggle for more influence in the region and the existence of different security perceptions towards each other are the main obstacles to reconciliation and conflict resolution between Iran. and the Persian Gulf Cooperation Council, the presence of America in the region is considered one of the major factors of tensions between the parties. considers the region as a major threat to its security. In fact, the Persian Gulf Cooperation Council cannot imagine the security of the region without the presence of the United States, and from this point of view, the proposal of the Islamic Republic of Iran in the framework of ensuring the collective security of the region without the presence of extra-regional countries cannot be accepted by the Arab countries of the Persian Gulf. The perspective of the officials of the Persian Gulf Cooperation Council towards the Islamic Republic of Iran is considered as a development-seeking country that wants to dominate the region and wants to change the status quo, and Iran's nuclear program is also examined under the banner of this approach.

**1-2- Keywords:** Foreign policy, challenge, Persian Gulf